



«بیگانگان به دنبال نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد، نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی هستند که در صورت تحقق این توطئه، جهت‌گیری‌ها، تصمیمات و حرکت عمومی کشور، براساس خواست و اراده بیگانگان، تنظیم و اجرایی خواهد شد.»

این مهم‌ترین جمله رهبر حکیم انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه بود که بعد از تأکیدات چندباره ایشان درباره «پروژه نفوذ» باید اهمیت این مساله را تاکنون فهمیده باشیم اما حقیقتا این نفوذ از کجا رخ خواهد داد؟ پروژه نفوذ بیش از همه چه حوزه‌ای از جامعه را درگیر خواهد کرد؟ اینها سوالاتی است که امروز وجود دارد و یک نگاه کلان و جامع می‌تواند پاسخگوی آنها باشد.

رهبر بزرگوار انقلاب در قسمتی از بیانات‌شان در جمع فرماندهان سپاه درباره نوع نفوذ و چگونگی آن فرمودند: «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور، دنبال نفوذند، نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است که البته کم‌اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است و ممکن است جزو کم‌اهمیت‌ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد، نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است، نفوذ امنیتی عوامل خودش را دار، مسؤولان گوناگون-

از جمله خود سپاه- جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت آن‌ش‌الله می‌گیرند. در زمینه‌های اقتصادی، چشم‌های بیبای مسؤولان اقتصادی باید باز باشد و مواظب باشند [دشمنان] نفوذ اقتصادی پیدا نکنند چون نفوذ دشمن پایه اقتصاد محکم را متزلزل می‌کند. آنجاهایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنجاهایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها و ملت‌ها مثل یک بختکی سوار بکنند، پدر آن کشورها درآمد. اینجا ۱۵-۱۰ سال قبل از این، رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفته منطقه ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد به من گفت آقا ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف یک شب تبدیل شدیم به فقیر، به گدا، راست می‌گفت. فلان سرمایه‌دار، به‌خاطر فلان خصوصیت اراده می‌کند این کشور را به زانو دربیورد، سرمایه خودش را می‌کشد بیرون یا تصرفاتی می‌کند که اقتصاد آن کشور به زانو دربیاید. این هم البته خیلی مهم است اما در قبال اقتصاد فرهنگی، اقتصاد سیاسی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی، اهمیتش کمتر است و از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است. دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورها، جامعه را دگرگون کند و آن باورهایی را که توانسته‌این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به‌وجود بیآورد. خرج‌ها می‌کنند، میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود، این رخنه و نفوذ فرهنگی است.» آنچه از بیانات رهبر معظم انقلاب مشخص است، پروژه نفوذ این بار قرار است از ۲ حوزه «علمی- فکری» و «عقیدتی- فرهنگی» وارد شود؛ آنچه از صحبت‌های «آراک اوباما» در مصاحبه با «توماس فریدمن»- هم برمی‌آید، نشان می‌دهد تمرکز آمریکایی‌ها این بار بر این حوزه‌هاست. اوباما در آن گفت‌وگو گفت: «پیشینه ذهنی تاریخی نخبگان و مردم ایران نسبت به آمریکا کاملا منفی است بویژه در موضوعاتی از قبیل «سرنوگونی مصدق، حمایت از شاه، حمایت از صدام در ۸ سال جنگ تحمیلی علیه ایران و …» یکی از سیاست‌های کلان و اصلی آمریکا در این مذاکرات، «تغییر ذهنیت» ایرانی‌ها نسبت به آمریکا و به عبارت روشن‌تر ایجاد نگرش مثبت در ایرانیان نسبت به چهره آمریکاست. من در این باره به تیم مذاکره‌کننده آمریکایی تاکید ویژه‌ای کرده‌ام.

اما به‌راستی دشمن چگونه از این دو حوزه ورود می‌کند؟

■ **پرده اول: نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی تحت عنوان شبکه نخبگان**
شاید اولین نقطه‌ای که هم در حوزه فکری و علمی و هم عقیدتی و فرهنگی بتواند مرکز نقل تمرکز دشمن باشد، «نخبگان» جامعه‌اند که شواهد و قرائن نشان می‌دهد اتفاقا برنامه‌های بسیاری برای این حوزه طراحی شده است. یکی از مراکز مهمی که این روزها و با رفت و آمدهای هیات‌های غربی به ایران نقش پررنگی دارد، «مجمع رهبران جوان جهانی» یا «Young Global Leaders» یا به اختصار YGL است که توانسته است با استفاده از رابطه‌هایی در داخل ایران نفوذ کرده و اقدامات قابل توجهی انجام دهد.

■ **YGL چیست؟**

طی سال‌های اخیر از سوی دولت آمریکا شبکه‌ای جهانی متشکل از نخبگان موسوم به Young Global Leaders (YGL) به معنای «مجمع جهانی رهبران جوان جهانی، زیر نظر «مجمع جهانی اقتصاد» شکل گرفته که به‌دنبال شبکه‌سازی بین‌المللی با اهداف مورد نظر دولت آمریکاست. تعدادی از اعضای این شبکه توسط مجمع جهانی اقتصادی «داووس» به‌عنوان رهبران جوان جهان برگزیده می‌شوند.

براساس سند امنیت ملی آمریکا برای سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵ شبکه YGL با پوشش علم و فناوری به‌دنبال تربیت و سازماندهی جریانی است که بتواند با به چالش کشیدن حکومت‌های منظر دولت آمریکا، نقش تأثیر گذاری در عرصه حاکمیتی و جامعه مدنی این کشورها داشته باشد. در واقع YGL اهداف منظر دولت آمریکا را به‌گونه‌ای پیگیری می‌کند که به نظر مطالبات اجتماعی کشور هدف قلمداد شود تا حکومت‌های مستقل را وادار کند به خواسته‌های جماعتی که ظاهرا نماینده عموم مردم هستند تن دردهند.

ایسن NGOها تلاششان را بیش از همه بر محیط‌های دانشگاهی و نفوذ بر آنها می‌گذارند و یکی از راه‌های نفوذ آنها از طریق برگزاری استارت‌آپ‌های آخر هفته است. «استارت‌آپ ویکند» یک رویداد آموزشی- تجربی (Experiential Education) در سراسر دنیااست که در ۳ روز متوالی (در انتهای هفته) برگزار می‌شود. در این برنامه شرکت‌کنندگان پراکنیزه‌ای شامل برنامه‌نویسان، مدیران تجاری، عاشقان استارت‌آپ، بازار یاب‌ها و طراحان گرافیک گرد هم می‌آیند تا طی ۵۴ ساعت ایده‌های‌شان را مطرح کنند، گروه تشکیل بدهند و هر گروه ایده‌ای را اجرا کنند. خود «استارت‌آپ» یک سازمان موقت است که با هدف یافتن یک مدل کسب و کار تکرار پذیر و مقیاس‌پذیر به وجود آمده است. این استارت‌آپ‌ها محملی است برای جذب نخبگان و اتصال آنها به حلقه جهانی نخبگان جوان که قرار است به لحاظ فکری روی آنها کار شود.

■ **پشت‌پرده رفت‌وآمد آمریکایی‌ها و عوامل سرویس‌های اطلاعاتی به ایران چیست؟**

به نوشته مشرق، داستان تشکیلات YGL در ایران از شرکت «آ» آغاز می‌شود. مدیریت این شرکت برعهده خاتونه «ن» است؛ پدر و پسری که در دوران اصلاحات یک پای بیشتر کار تل‌های نفتی آمریکایی و اروپایی در ایران بودند و صدمات جبران‌ناپذیری در قراردادهای یک‌طرفه و ترک‌مانجایی با دواوس در کشور وارد کردند. ماموریت اصلی «آ» البته فراتر از مسائل مرتبط با انرژی است بلکه این شرکت اهداف خود را در قالب واردات فناوری‌های نوین به ایران تعقیبمی‌کند.

«ن» علاوه بر شرکت «آ» مشاورت شرکت نفتی کرستنت را نیز برعهده دارد. وی با استفاده از نفوذ خود در عرصه نفتی ایران در راستای تحقق منافع غربی‌ها و اماراتی‌ها به‌دنبال محکومیت ایران در پرونده برحاشیه کرستنت بوده است. جالب آنجاست

مختصری درباره مکانیزم یارگیری سرویس‌های جاسوسی از میان نخبگان ایرانی

# پشت‌پرده شبکه نفوذ

■ امیرعلی جهانداد

وجود آورده که امروز ثروت ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد دنیا، با دارایی ۵۰ درصد از جمعیت جهان برابر است. انحصار فرصت‌ها و امکانات در دست یک اقلیت کوچک باعث شده ۷۰ درصد مردم جهان اکنون در کشورهایی زندگی کنند که طی ۳ دهه گذشته نابرابری اقتصادی در آنها افزایش یافته است. هم‌اکنون یک درصد مردم دنیا با ثروتی حدود ۱۱۰ تریلیون دلار صاحب ۴۶ درصد کل ثروت جهان هستند. طبق ارزیابی‌های این نهاد، نابرابری اقتصادی با به خطر انداختن ثبات و امنیت اجتماعی یک خطر بزرگ برای امنیت جهانی است.

■ **داووس و YGL را چه کسی اداره می‌کند؟**
پروفسور «کلاوس شواب» (Klaus Schwab) بنیانگذار و رئیس اجرایی مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum) با سال ۱۹۷۱ است. شواب ۷۶ ساله که دارای کنترای اقتصاد از دانشگاه فرایبورگ سوییس است، سال ۱۹۹۸ هم به همراه همسرش «هیلدا شواب»، «بنیاد شواب برای کارآفرینی اجتماعی» را راهاندازی کردند که به موازات مجمع جهانی اقتصاد، به حمایت از کارآفرینان و سرمایه‌داران کشورهای مختلف و ایجاد پیوند میان آنها با اعضای مجمع اختصاص یافت. پیوند اقتصاد با سیاست در مجمع جهانی اقتصاد نیز از همان سال‌های ابتدایی تأسیس این مجمع ایجاد شد و در ادامه فعالیتش با پرداختن به مسائل روز بین‌المللی، وجه سیاسی آن بر بعد اقتصادی غلبه پیدا کرد و شرکت‌کنندگان آن از شخصیت‌های اقتصادی به رهبران سیاسی تغییر یافت. ظاهرا قرار است این پروفسور کهنسال پس از مقدمه‌سازی دوستان ایرانی‌اش، به کشورمان سفر کند.فتح یک قله مرتفع‌تر از ۴۰۰۰ متر در هر سال، از جمله برنامه‌های ثابت پروفسور شواب ذکر شده است اما «قله‌ای که او در ایران بدنبال «فتح» آن است بسیار مرتفع‌تر از آنچه وی تصور می‌کند، است. شواب و همسرش پس از «رهبران جوان جهانی»، در سال ۲۰۱۱ شبکه دیگری را نیز برای جوانان کلید زدند. این شبکه «جامعه شکل‌دهندگان جهانی» نام گرفته است که در تعریف کارکرد آن آمده است این شبکه جهانی به‌عنوان حلقه وصل اجتماعات مدنی و داخلی جوانان برای استفاده از پتانسیل افراد شاخص این گروه‌ها برای هم‌افزایی در جنبش‌های مدنی است. دفاتر این شبکه نیز در شهرهای بزرگ جهان واقع شده است و در حال حاضر بیش از ۲۰۰ حلقه این شبکه در سراسر جهان مستقر هستند، از جمله در میدان آرژانتین تهران!

گام بعدی خانواده شواب، راهاندازی مجمعی برای جوانان جهان بود. اما چرا جوانان؟ نظم نوین جهانی مورد نظر آمریکا، همانطور که در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و… در جریان است، در حوزه فرهنگ و اجتماع و سرمایه‌گذاری بر روی نسل جوان کشورهای

هدف و از سوی نهادهای مختلف ایالات متحده در حال اجراست. پروژه «جوانان جهان» از جمله برنامه‌های وزارت خارجه آمریکا در همین راستاست. وبگاه وزارت خارجه آمریکا، بخش ویژه‌ای را به برنامه‌ریزی برای «جوانان جهان» اختصاص داده است. در برنامه وزارت خارجه آمریکا برای جوانان آمده است اسناد آن در اداره دیپلماسی عمومی این وزارت تهیه می‌شود. دستورالعمل این برنامه عبارت است از ارتباط گسترده با جوانان جهان و کمک به حل چالش‌های پیش‌روی این نسل با استفاده از ابزارهای بین‌المللی برای شکل‌دهی و ساخت آینده جهان. ۳ حوزه اصلی تمرکز این برنامه هم بدین ترتیب ذکر شده است:

– مشارکت‌دهی جوانان در گفت‌وگوهای صادفانه دوطرفه (از طریق شبکه‌های تعیین‌شده در بیش از ۹۰ حلقه متشکل از جوانان و شبکه‌های محلی)
– توانمندسازی جوانان برای تعیین سرنوشت خود از طریق گسترش فرصت‌های اقتصادی و کارآفرینی
– رساتر شدن صدای جوانان و رساندن صدای به همراه تعداد زیادی از مقامات اجرایی کشورها در امور سیاسی و اقتصادی گروه‌هم می‌آیند و در جلسات مختلف به بحث و تبادل نظر درباره شرایط جهان می‌پردازند. اما در حقیقت داووس محملی است برای مدیریت اقتصادی و سیاسی جهان توسط لابی‌ها و کارتل‌های اقتصادی جهان که ساختار جهانی اقتصاد را در اختیار دارند. بنیاد آکسفام در گزارش سال ۲۰۱۴ –۲۰۱۳ خود از داووس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مشاوره و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی جهان صحبت کرده که باعث درآمیختن قدرت اقتصادی با مراکز تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌شود که تأثیرات مخرب آن بر نحوه مدیریت جامعه، دموکراسی و گسترش فقر و بی‌عدالتی مشهود است. در این گزارش گفته شده اقلیت صاحب قدرت اقتصادی در همکاری و هماهنگی با قدرت سیاسی در سطح جهان با تقلب و فریبکاری در شیوه مدیریت امور اقتصادی، دموکراسی را تضعیف کرده و شرایطی را به

مختصری درباره مکانیزم یارگیری سرویس‌های جاسوسی از میان نخبگان ایرانی

دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۴

اشاره
<b>شبکه‌های اجتماعی</b>
<b>وقاحت رنگی – هیستریک</b>
سیدمحمد موسی کاظمی: پس از مدتها کشمکش و جدل در اوایل خردادماه (۲۶ ژوئن) دیوانعالی آمریکا حکم به قانونی شدن پدیده ضدانسانی همجنس‌بازی داد و به این ترتیب همجنس‌بازان آمریکایی در سرتاسر آمریکا و همه ایالت‌های این کشور به رسمیت شناخته شدند؛ رخدادی که رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا از آن به‌عنوان یک پیروزی(۱) و گامی مهم برای رسیدن به برابری در کشورش یاد کرد و برای نشان دادن همراهی خود با همجنس‌بازان، در و دیوار کاخ سفید را با نورپردازی‌های هفت‌رنگ (رنگین‌کمان به‌عنوان نماد همجنس‌بازان) آراست؛ این تصمیم و حمایت‌های صورت‌گرفته از منحنران جنسی زیر سایه گسترش برابری و آزادی موجب واکنش‌های بسیاری از سوی شهروندان و نهادهای مذهبی و اخلاق‌گرای آمریکا شد. حتی شمار زیادی از فعالان مدنی با طرح انتقادهای شدید از پیامدهای قانونی شدن همجنس‌بازی نظیر سست شدن بنیان خانواده، سلب آزادی کودکان تحت سرپرستی خانواده‌های همجنس‌گرا، گسترش فساد ناامنی در جامعه و… مخالفت خود را با تصمیم قضات آمریکایی و رهبران این کشور آشکار کردند. جدا از این بازتاب‌ها و چالش‌های جامعه آمریکا، کشورهای دیگر جهان از جمله ایران نیز از پیامدهای این رخداد پر کنتر ناراضدند. یکی از عرصه‌های نمود بازتاب‌های قانونی شدن همجنس‌بازی در آمریکا شبکه‌های اجتماعی بود که تحولات و روندهای آن در این زمینه بسیار قابل تامل به نظر می‌رسد. با توجه به عناصر فرهنگی و تمدنی، هنجارهای نهادینه‌شده و ارزش‌های اخلاقی، عرفی و مذهبی در جامعه ایرانی، بسیاری از کسانی که از خانواده، محیط‌های کاری و آموزشی و اماکن عمومی، اخباری از رخداد یادشده دریافت داشتند، واکنشی دربردارنده طیفی از تاسف، انزجار، تعجب و… را از خود بروز دادند. این در حالی بود که فضای بسیاری از شبکه‌های مجازی به شکلی باورنکردنی تقواتی آشکار از بازخورد‌های فضای حقیقی را بروز داد. برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی مانندفیس‌بوک تصویر صفحات خود را با پس‌زمینه‌های رنگین‌کمانی آمیختند و حتی به صورت آشکار پیام‌هایی را در حمایت و شادمانی از قانونی شدن همجنس‌بازی در آمریکا منتشر کردند. این واکنش به شکلی تعجب‌برانگیز از سوی برخی چهره‌های شناخته‌شده تکرار شد از جمله یکی از بازیگران خوش چشم و ابروی فیلم‌های ایرانی در صفحه توئیترش، ذوق‌زده از قانونی شدن همجنس‌بازی، آن را اتفاقی تاریخی و همپایه با لغو بردهداری در آمریکا برشمرد. موضع برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی پس از قانونی شدن همجنس‌بازی در آمریکا و کنشگری پرانمه آنان در فضای مجازی از جمله انتشار پیام‌ها، تصاویر و بیانیه‌های حمایت‌آمیز چنان بود که شگفتی اکثریت کاربران این شبکه‌های مجازی را برانگیخت تا جایی که یکی از کاربران در پیام خود در این رابطه نوشت: در کار کسانی مانند‌ما که یک بار در حمایت از مذاکرات هسته‌ای فیس‌بوک را قرق می‌کنند، روز دیگر از شریعتی، بازرگان و منتظری و… احادیث مربوط به دیدناری، حکومتداری و آزادی نقل می‌کنند و خود را ملی- مذهبی می‌دانند، زمانی که مسئولان دینی فحش فرمای‌رسد عکس شمع، غلب، نخل و غروب می‌گذارند و امروز صفحه‌های خود را رنگین‌کمانی می‌کنند. کاربری دیگر با اظهار تعجب از واکنش‌های کاربران رنگین‌کمانی، به تهاجم و حمله آنان به برخی منتقدان و پرسش‌کنندگان در این زمینه- از جمله خودش- اشاره و آن را مصداق دیکتاتوری و تاختن انگشت‌شمار اجتماعی دانست. با توجه به واقعیت‌های اجتماعی جامعه ما، شماری از کارشناسان اظهار می‌دارند بسیاری از این صفحه‌های شخصی یا گروهی توسط عده‌ای معدود و مشخص گردانده می‌شود و روز به روز افزایش می‌یابد تا فضای مجازی را به تسخیر خود درآورد. شمار بالای این صفحه‌ها در مقایسه با دیگر صفحات مروج ناهنجاری‌های اخلاقی و مذهبی بسیار معناتار به نظر می‌رسد به طوری که نشان از پروسه‌ای هدایت‌شده دارد. این پروسه که در فضای حقیقی فاقد توان کنشگری است اما هیاهو و تبلیغات فراوانی را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به راه انداخته، ضمن وقاحت‌زدایی از این پدیده نفرت‌انگیز، اهدافی چون القای فراوانی این ناهنجاری رفتاری و نیز بقی یعنی شوریدن بر حکومت دینی را دنبال می‌کند. با توجه به زمینه‌ها و پیامدهای ایسن پدیده، رصد و آشکارسازی فعالیت‌های دست‌اندرکاران الوده‌سازی مجازی حتی شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند اثباتی دوباره برای پاسخ به ادعاهایی باشد که از پایه مقوله‌ای چون تهاجم فرهنگی را با دیده شک و تردید می‌نگرند و حتی آن را نفی می‌کنند!

